

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: براین برلنیک
برگردان: جنوب جهانی
فرستنده: عثمان حیدری
۳۰ دسمبر ۲۰۲۴

ابرسلاح مخوف و اشنگتن



با افزایش تنش‌های ژئوپلیتیک، ایالات متحده قدرتمندترین سلاح خود را به کار گرفته است؛ نه قدرت نظامی، بلکه شبکه‌ای پیچیده از کنترل سیاسی و اطلاعاتی که ملتها و مناطق را برای تأمین منافع خود بازسازی می‌کند. در ماه‌های اخیر، حتی در رسانه‌های غرب جمعی، اعترافات رو به رشدی درباره برتری ظرفیت صنعتی نظامی روسیه و چین مشاهده شده است. با استفاده روسیه از راکت بالستیک میان‌برد «اورشونیک»، اعتراف شده که روسیه (و احتمالاً چین) توانایی‌های نظامی قابل‌توجهی دارند که غرب جمعی فعلاً فاقد آن است.

با وجود تلاش‌های گسترده ناتو برای مسلح کردن، آموزش و پشتیبانی از اوکراین، نیروهای اوکراینی همچنان با سرعت بیشتری در طول خطوط تماس، عقب‌نشینی می‌کنند؛ در حالی که عملیات ویژه نظامی روسیه همچنان ادامه دارد.

با این حال، حتی با پذیرفته شدن این شرایط جدید، ایالات متحده نشان داده که هنوز یک ابرسلاح قدرتمند و تاکنون بی‌پاسخ و بی‌رقیب در اختیار دارد. این سلاح برای ایجاد شرایطی در جهان عرب استفاده شد که به تدریج اقتصاد سوریه و ارتش عربی سوریه را تخلیه کرد و سرانجام منجر به فروپاشی کامل هر دو در اواسط دسمبر ۲۰۲۴ شد؛ پس از سال‌ها مقابله با تروریست‌های مورد حمایت امریکا که تلاش داشتند کشور را تصرف کنند.

نه تنها اقتصاد، ارتش و در نتیجه دولت سوریه فروپاشید، بلکه بسیاری در سراسر جهان از به قدرت رسیدن سازمان‌های تروریستی تحت نظر سازمان ملل متحد در دمشق و ارتکاب جنایات علنی در خیابان‌های سوریه علیه مخالفان قومی، مذهبی و سیاسی استقبال کردند.

تمام این‌ها مدیون «ابرسلاح» بی‌پاسخ و اشنگتن و کنترل آن بر فضای اطلاعاتی و سیاسی جهانی است.

ابرسلاح واشنگتن: مداخله، تسخیر و کنترل سیاسی

ابرسلاح واشنگتن شاید به اندازه راکت «اورشونیک» چشمگیر نباشد، اما بهمراتب قدرتمندتر و دفاع در برابر آن بسیار دشوارتر است.

این سلاح از عملیات تغییر رژیم که توسط اژانس اطلاعات مرکزی امریکا (CIA) انجام می‌شد، آغاز شد و به‌تدریج به آنچه اکنون به‌عنوان «بنیاد ملی دموکراسی» (NED) شناخته می‌شود، تبدیل شد. «بنیاد ملی دموکراسی» بر شبکه‌ای از زیرمجموعه‌ها (مانند خانه آزادی، مؤسسه بین‌المللی جمهوری‌خواه (IRI) و مؤسسه ملی دموکراتیک (NDI) و همچنین سازمان‌های دولتی وابسته (مانند USAID) و بنیادهای خصوصی (مانند بنیاد جامعه باز و شبکه امیدیار) نظارت می‌کند. این نهادها صدها سازمان، پروژه، گروه‌های مخالف و احزاب سیاسی را در هر قاره مسکونی زمین تأمین مالی می‌کنند.

خاورمیانه: آماده‌سازی میدان نبرد برای جنگ با ایران

در سال‌های اخیر، این شبکه ارتش‌هایی از آشوب‌طلبان را سال‌ها پیش از وقوع «بهار عربی» ۲۰۱۱ آموزش داد تا به کشورهای خود بازگردند و دولت‌هایشان را سرنگون کنند. آشوب‌های سیاسی که این عوامل تحت حمایت امریکا ایجاد کردند، توسط نیروهای مسلح افراطی تحت حمایت امریکا برای سرنگونی خشونت‌آمیز دولت‌هایی که در برابر فشارهای سیاسی مقاومت می‌کردند، به کار گرفته شد.

در حالی که وب‌سایت «بنیاد ملی دموکراسی» ادعا می‌کند که «آزادی را در سراسر جهان ترویج می‌کند»، مداخلات سیاسی آن منجر به بی‌ثباتی و نابودی کشورها و حتی کل مناطق شده است که به صدها هزار کشته و میلیون‌ها نفر آواره انجامیده است. آنچه از این کشورها باقی می‌ماند یا به دولت‌های شکست‌خورده در حال جنگ داخلی تبدیل می‌شود یا به رژیم‌هایی که به‌طور کامل در خدمت منافع واشنگتن هستند، بدل می‌شود. این منطقه اکنون به شکلی عمدی و حساب‌شده در حال شکل‌گیری است تا ایران، به‌عنوان مرکز مقاومت در برابر هژمونی امریکا در منطقه، را محاصره، منزوی و نهایتاً سرنگون کند.

«بنیاد ملی دموکراسی» در اروپا: ایجاد روسیه‌ای «دموکراتیک»

نمونه دیگری از این مداخلات، اوکراین است. تلاش‌های «بنیاد ملی دموکراسی» برای سرنگونی یک اوکراین مستقل و بی‌طرف از سال ۲۰۰۴ آغاز شد، به گزارش گاردین. این عملیات در سال ۲۰۱۴ تکرار شد و این بار موفقیت‌آمیز بود. این عملیات شامل عوامل سیاسی تحت حمایت «بنیاد ملی دموکراسی» و همچنین افراط‌گرایان مسلح، از جمله نئونازی‌ها بود که در کنار سناتورهای امریکائی در کریف حمایت می‌شدند. هدف از مداخله سیاسی «بنیاد ملی دموکراسی» نه تنها تسخیر سیاسی یک کشور هدف است، بلکه تشکیل یک جبهه متحد از کشورهای تحت کنترل در یک منطقه برای مقابله با دشمنان اصلی واشنگتن است.

در اروپا، این دشمن آشکارا روسیه است.

دیمن ویلسون، معاون اجرائی شورای آتلانتیک و سپس رئیس و مدیرعامل «بنیاد ملی دموکراسی»، در سال ۲۰۱۸ درباره از بین بردن آنچه او «مناطق خاکستری نامنی» میان ناتو و روسیه می‌نامید، صحبت کرد. این «مناطق خاکستری» در واقع کشورهای بی‌طرف بودند که به‌عنوان حائل میان ناتو و روسیه عمل می‌کردند.

ویلسون در اظهارات خود در شورای آتلانتیک در سال ۲۰۱۸ اذعان کرد:

«ستراتژی این نیست که خطوط جدیدی در اروپا ایجاد کند. هدف این است که منطقه‌ای آسیب‌پذیر و ناامن را در ثبات و رونق و آزادی اروپا ادغام کنیم، و در درازمدت، این چشم‌انداز شامل روسیه‌ای دموکراتیک می‌شود.»
وی افزود: مسیر اصلاحات در مسکو ممکن است با تصمیماتی که در کییف، کیشیناو، ایروان و تفلیس گرفته می‌شود، آغاز شود.

این یک اعتراف به نیت است. سرنگونی و تسخیر سیاسی اوکراین، مولداوی، ارمنستان و گرجستان، با هدف محاصره و منزوی کردن روسیه و حذف هرگونه منطقه حائل میان ناتو و روسیه صورت می‌گیرد تا در نهایت روسیه نیز سرنگون و تسخیر سیاسی شود.

«روسیه‌ای دموکراتیک» یک واژه جایگزین برای روسیه‌ای است که تحت «دموکراسی» تحمیلی ایالات متحده-ناتو کنترل شده و توسط سازمان‌ها، پلتفرم‌های رسانه‌ای، نهادها و احزاب سیاسی تحت حمایت «بنیاد ملی دموکراسی» اداره می‌شود.

اظهارات ویلسون در سال ۲۰۱۸ اکنون به سیاست ایالات متحده-ناتو در قبال روسیه تبدیل شده و به اقدامات واقعی «بنیاد ملی دموکراسی» تحت رهبری وی به‌عنوان رئیس و مدیر عامل منجر شده است.

«بنیاد ملی دموکراسی» در آسیا: ایجاد یک جبهه متحد علیه چین

صفحه وب NED (بنیاد ملی دموکراسی) برای آسیا که اکنون از افشای اطلاعات مالی خود که ظاهری از شفافیت ایجاد می‌کرد، خالی شده است، به فعالیت بیش از ۳۳۸ پروژه در ۱۶ کشور افتخار می‌کند که تنها در سال مالی ۲۰۲۳ حداقل ۵۱.۷ میلیون دالر دریافت کرده‌اند.

این بنیاد به‌صراحت به دخالت در انتخابات منطقه، ایجاد احزاب مخالف، و حتی ترویج تجزیه‌طلبی اعتراف کرده است. در این صفحه به منطقه‌ای که در قوانین بین‌المللی به‌عنوان «سین‌کیانگ» چین شناخته می‌شود، به‌عنوان «ترکستان شرقی» اشاره شده است، موجودیتی غیرواقعی که توسط «دولت در تبعید ترکستان شرقی» در واشنگتن دی‌سی ایجاد و مستقر شده است.

حمایت دولت ایالات متحده از تجزیه‌طلبی در چین، نقض آشکار منشور سازمان ملل متحد است. این منشور در ماده ۲ تصریح می‌کند که «همه اعضا باید در روابط بین‌المللی خود از تهدید یا استفاده از زور علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی هر کشور یا به هر شکل دیگری که با اهداف سازمان ملل متحد ناسازگار باشد، خودداری کنند.»

ایالات متحده نه تنها تجزیه‌طلبان را در واشنگتن دی‌سی پناه می‌دهد، بلکه از طریق «بنیاد ملی دموکراسی» تعدادی از سازمان‌هایی را که آشکارا به دنبال تجزیه‌طلبی هستند، تأمین مالی می‌کند. این شامل کنگره جهانی اویغور (WUC)، یکی از دریافت‌کنندگان بودجه «بنیاد ملی دموکراسی»، است که در وبسایت خود به‌صراحت اعلام می‌کند: «کنگره جهانی اویغور یک جنبش مخالف غیرخشونت‌آمیز و مسالمت‌آمیز علیه اشغال ترکستان شرقی توسط چین است.»

کنگره جهانی اویغور که توسط دولت امریکا از طریق «بنیاد ملی دموکراسی» تأمین مالی می‌شود، آشکارا در تلاش است قوانین بین‌المللی را با هدف جداسازی سین‌کیانگ از چین نقض کند. در حالی که کنگره جهانی اویغور ادعا می‌کند این کار را به‌عنوان یک جنبش مخالف مسالمت‌آمیز انجام می‌دهد، این تلاش همچنان تجزیه‌طلبی است که به خشونت و تروریسم توسط جدائی‌طلبان اویغور نظیر «جنبش اسلامی ترکستان شرقی» (ETIM) منجر می‌شود. این گروه که

اکنون در سوریه مستقر است، سال‌ها در کنار گروه‌های تروریستی فهرست‌شده سازمان ملل مانند هیأت تحریر الشام (یا جبهه النصره) جنگیده و اخیراً اعلام کرده که چین را هدف قرار خواهد داد.

«بنیاد ملی دموکراسی» در آسیا: یک جبهه منطقه‌ای ضد چین

صفحه فعلی «آسیا» در وبسایت «بنیاد ملی دموکراسی» به‌وضوح نشان می‌دهد که تلاش‌های آن تنها به تسخیر سیاسی کشورهای منفرد در آسیا محدود نیست، بلکه هدف آن ایجاد یک جبهه منطقه‌ای متحد علیه چین است. تحت عناوین فریبنده‌ای مانند «ترویج وحدت دموکراتیک»، «بنیاد ملی دموکراسی» اعلام می‌کند:

«**ظهور چین به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای و جهانی و اهرم اقتصادی آن، این کشور را به یک حامی و تأثیرگذار قدرتمند بر رژیم‌های منطقه تبدیل کرده است. چین با استفاده از قدرت مالی قابل‌توجه خود نشان داده است که احترام به دموکراسی و حقوق بشر نه یک پیش‌شرط و نه حتی ویژگی مطلوبی برای هر شریکی بالقوه است.**»

در ادامه آمده است:

«**به همین منظور، «بنیاد ملی دموکراسی» از مجموعه‌ای از ابتکارات برای تقویت وحدت و همکاری دموکراتیک در میان کشورهای دموکراتیک آسیا و همچنین تقویت و گسترش همبستگی منطقه‌ای میان بازیگران دموکراتیک حمایت می‌کند. به‌طور خاص، «بنیاد ملی دموکراسی» و نهادهای اصلی آن از شرکای خود در دموکراسی‌های پیشرو منطقه برای تسهیل مذاکره، ایجاد حمایت، و ترویج رهبری بیشتر در دفاع از هنجارها و ارزش‌های دموکراتیک پشتیبانی می‌کنند.**»

این تلاش‌ها، با هدف گسترش نفوذ و اشنگتن و کنترل آن بر تمام مناطق پیرامون چین در آسیا، دقیقاً همان نقشی را ایفا می‌کند که امریکا در اروپا علیه روسیه انجام داده است.

نقش BRICS و سازمان همکاری شانگهای

سازمان‌هایی مانند بریکس (برزیل، روسیه، هند، چین، و آفریقای جنوبی) و سازمان همکاری شانگهای (SCO) می‌توانند در مقابله با این تلاش‌ها، نقشی محوری ایفا کنند. این اقدامات شامل:

ایجاد جایگزین‌های چندقطبی برای پلتفرم‌های رسانه‌های اجتماعی امریکائی برای به اشتراک‌گذاری اطلاعات، فراتر از دسترس سانسور و دستکاری امریکا و اروپا.

تشویق شفافیت در سازمان‌های غیردولتی منطقه‌ای و ملی.

ایجاد انجمن‌هایی برای افشاگری و مقابله با مداخلات امریکا و اروپا از طریق قانون‌گذاری.

حفاظت در برابر تهدیدات، تحریم‌ها، و دیگر اقدامات زورمدارانه امریکا که هدف آن وادار کردن کشورهای هدف به پذیرش کنترل سیاسی و اطلاعاتی و اشنگتن است.

این گام‌ها در جهت تقویت حاکمیت ملی و حمایت از حق تعیین سرنوشت کشورها در دنیای چندقطبی است و با اصول اساسی منشور سازمان ملل متحد همسو است.

«بنیاد ملی دموکراسی» که حتی در نام خود به «ترویج دموکراسی» تظاهر می‌کند، در واقع ابزاری است برای سلطه‌گری و اشنگتن، نه ابزاری برای حمایت از خودمختاری کشورهایی که از بودجه آن بهره‌مند می‌شوند.

«بنیاد ملی دموکراسی»: ابرسلاح و اشنگتن

NED (بنیاد ملی دموکراسی) نمایانگر قدرتمندترین «ابرسلاح» واشنگتن است. توانایی این بنیاد در نفوذ و تسلط بر فضای سیاسی، اطلاعاتی، و آکادمیک یک کشور حتی بزرگترین ارتش‌های متعارف را که مانعی بر سر راه هژمونی آمریکا در جهان هستند، دور می‌زند. این بنیاد در بی‌ثبات‌سازی و تخریب کشورها و مناطق مختلف جهان مشارکت داشته است و خساراتی به بار آورده که از هر راکتی که روسیه بتواند طراحی و مستقر کند، بیشتر است. آینده یک جهان چندقطبی واقعی به مقابله با تمام ابزارهای واشنگتن و وال استریت، به‌ویژه قدرتمندترین و موثرترین آن‌ها، بستگی دارد.

نمونه‌ای از فعالیت «بنیاد ملی دموکراسی» در آسیا

در اکتوبر ۲۰۲۰، رویدادی با عنوان «فراتر از مرزها» از طریق فیسبوک به صورت زنده برای مخاطبان در تایلند برگزار شد. موضوع این برنامه، «وضعیت اویغورها در چین و چگونگی کمک به آن‌ها» بود و از لویزا گریو، یکی از کارمندان سابق «بنیاد ملی دموکراسی» و مدیر امور خارجی پروژه حقوق بشر اویغور، که خود یکی از دریافت‌کنندگان بودجه «بنیاد ملی دموکراسی» است، دعوت شده بود.

این برنامه توسط افرادی مانند نیتوییت چوتیفاتفایسال، فعال به‌اصطلاح دموکراسی‌خواه که در ترویج برنامه‌های براندازانه «بنیاد ملی دموکراسی» علیه خود تایلند شرکت داشت، اداره می‌شد.

هدف این برنامه زنده، تخریب تصویر چین در میان مخاطبان تایلندی بود، با وجود آن که چین بزرگترین شریک تجاری، سرمایه‌گذار، منبع گردشگری، و شریک زیرساختی تایلند، از جمله در پروژه راه‌آهن سریع‌السیر این کشور است.

گروه‌های مخالف مورد حمایت «بنیاد ملی دموکراسی» نیز بر ممانعت از همکاری تایلند و چین تمرکز کرده‌اند. نمونه آشکار آن، سفر رهبر میلیاردر مخالف، تاناتورن جوانگرونگرونگکیت، به ایالات متحده بود. او در این سفر با نمایندگان وزارت امور خارجه آمریکا، خانه آزادی (زیرمجموعه NED)، و شرکت Hyperloop One مستقر در آریزونا دیدار کرد و پس از بازگشت به تایلند، پروژه راه‌آهن سریع‌السیر ساخت چین را محکوم کرد و به‌جای آن بر فناوری «هایپرلوپ» که اکنون منسوخ شده، تأکید کرد.

تاناتورن در یکی از سخنرانی‌های عمومی خود اظهار داشت:

«فکر می‌کنم در پنج سال گذشته ما اهمیت زیادی به چین داده‌ایم. ما می‌خواهیم این را کاهش دهیم و رابطه خود را با اروپا، جاپان، و ایالات متحده متوازن کنیم.»

پس از شکست در انتخابات عمومی سال ۲۰۱۹، تاناتورن اعتراضاتی را در خیابان‌های تایلند رهبری کرد که مورد حمایت «بنیاد ملی دموکراسی» بود. در سال‌های بعد، حزب او در انتخابات عملکرد بهتری داشت که ناشی از اثرات مخرب حضور «بنیاد ملی دموکراسی» در فضای اطلاعاتی تایلند بود.

دشواری‌های پیش روی جنوب شرق آسیا

امروزه، در حالی که چین آینده‌ای بهتر و عینی برای منطقه ارائه می‌دهد، آمریکا همچنان به دلیل نفوذ «بنیاد ملی دموکراسی» و شبکه‌های گروه‌های سیاسی مخالف، رسانه‌ها، و حتی احزاب سیاسی تحت کنترل خود نفوذ ناموجهی در منطقه دارد. این نفوذ، آینده درخشان منطقه را در وضعیتی ناپایدار مشابه اوکراین پیش از سال ۲۰۱۴ قرار داده است.

مقابله با ابرسلاح واشنگتن

روسیه و چین هر دو دفاع‌های مؤثری در برابر این «ابرسلاح» امریکا ایجاد کرده‌اند:

(۱) شفافیت یا ممنوعیت سازمان‌های غیردولتی خارجی

هر دو کشور یا از سازمان‌های غیردولتی خارجی شفافیت می‌طلبند یا آن‌ها را کاملاً ممنوع می‌کنند.

(۲) کنترل فضای اطلاعاتی داخلی

محدود کردن یا ممنوع کردن پلتفرم‌های رسانه‌های اجتماعی مستقر در امریکا که با وزارت امور خارجه امریکا همکاری می‌کنند.

استفاده از پلتفرم‌های رسانه‌های اجتماعی داخلی برای کنترل جریان اطلاعات.

(۳) تقویت رسانه‌های داخلی و بین‌المللی

هر دو کشور دارای صنایع رسانه‌ای قوی داخلی هستند که ارزش‌های خود را ترویج می‌کنند و از طریق رسانه‌های بین‌المللی مانند RT، اسپوتنیک، و CGTN روایت‌های خود را به مخاطبان جهانی منتقل می‌کنند.

با این حال، آنچه این دو کشور تاکنون نتوانسته‌اند انجام دهند، انتقال این تخصص به کشورهای شریک است.

پیشنهادات برای دفاع اطلاعاتی

روسیه و چین می‌توانند شبکه‌های اجتماعی سفارشی‌سازی شده‌ای را برای کشورهای شریک صادر کنند که این کشورها بتوانند در فضای اطلاعاتی خود مدیریت کنند. این اقدام جایگزین شبکه‌های مستقر در امریکا شده و کنترل اطلاعات داخلی کشورها را به خودشان باز می‌گرداند.

به‌علاوه، می‌توان بسته‌های مشابهی را برای کمک به ایجاد رسانه‌های بین‌المللی و آموزش روزنامه‌نگاران، مربیان، سیاستمداران، و دیپلمات‌هایی ارائه داد که منافع ملی آن کشور را منعکس کنند، نه منافع واشنگتن یا وال‌استریت.

تهدیدی برای صلح جهانی

در نگاه اول، تلاش‌های «بنیاد ملی دموکراسی» برای کنترل سیاسی و اطلاعاتی در سراسر جهان ممکن است «سلاح» به نظر نرسد. اما با بررسی دقیق‌تر، این اقدامات به یکی از مخرب‌ترین «سلاح‌های کشتار جمعی» قرن بیست و یکم تبدیل شده‌اند که تهدیدی جدی برای صلح، ثبات، و شکوفایی جهانی هستند. تلاش‌های جدی باید برای افشاء و مقابله با این تهدیدات انجام شود.

۲۹ دسامبر ۲۰۲۴

منابع:

[Washington's Unstoppable Superweapon \(journal-neo.su\)](https://journal-neo.su/Washington's-Unstoppable-Superweapon)

[122524-Washington-Unstoppable.pdf](https://journal-neo.su/122524-Washington-Unstoppable.pdf)